

# بررسی پیامدهای اصلاحات ارضی در ایران بر زندگی کشاورزان در رمان‌های سیاسی و اجتماعی دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی

عاطفه فروغی<sup>۱</sup> / حسین مسعودنیا<sup>۲</sup> / سید جواد امام‌جمعه‌زاده<sup>۳</sup>

## چکیده

در اوایل دهه ۱۳۴۰ ش / ۱۹۶۰ میلادی، رژیم پهلوی دوم بر اثر فشارهای داخلی و خارجی ناگزیر از انجام دادن اصلاحات در ایران گردید که به انقلاب سفید شاه و مردم معروف شد. هدف رژیم از انجام دادن این اصلاحات، فاصله‌گیری از طبقه متنفذ سنتی و اتکا به گروه‌های جدید به‌ویژه کشاورزان و طبقه متوسط جدید بود. از این رو در برنامه انقلاب سفید اصولی مثل اصلاحات ارضی، سهم‌کردن کارگران در سود کارخانه‌ها و ایجاد سپاه دانش گنجانده شد. اصلاحات از بالا توسط رژیم در حالی صورت می‌گرفت که از یک طرف افزایش استبداد و از طرف دیگر گسترش نفوذ آمریکا در ایران، باعث مخالفت گروه‌های مختلف اجتماعی گردیدند. اختناق حاکم بر جامعه سبب گردید تا بسیاری از روشنفکران در صدد برآیند که در قالب شعر و رمان، انتقادات خود و سایر گروه‌هایی را که تحت تأثیر تغییرات ناشی از برنامه‌های انقلاب سفید بودند، بیان کنند. لذا با توجه به چنین پیشینه‌ای هدف این پژوهش این است که با استفاده از رمان‌های سیاسی و اجتماعی همین دوره، پیامدهای اصلاحات ارضی بر زندگی کشاورزان را بازتاب دهد، ضمن اینکه برای تقویت جنبه علمی پژوهش، از نظریه جامعه‌شناسی ادبیات لوسین گلدمن استفاده شده است. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. روش تحقیق، اسنادی-کتابخانه‌ای است. گردآوری اطلاعات در این پژوهش با استفاده از فیش‌برداری اسناد و نشریات تخصصی و تحلیل رمان‌های سیاسی و اجتماعی این دوره با محوریت زندگی کشاورزان است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در این دوره نویسندگان در قالب رمان و شخصیت‌های آن، به انتقاد از وضع موجود کشاورزان پرداخته‌اند و اصلاحات ارضی را عاملی در بدتر شدن شرایط کار و زندگی در روستاها دانسته‌اند. واژگان کلیدی: جامعه‌شناسی ادبیات، ساختارگرایی تکوینی، انقلاب سفید، اصلاحات ارضی، رمان اجتماعی.

## An examination of the Impacts of “Land Reform” in Iranian Farmers’ Life in Political and Social Novels 1960s - 1970s

Atefeh Foroughi<sup>4</sup> / Hossein Masoudnia<sup>5</sup> / Seyed Javad Emamjomezadeh<sup>6</sup>

### Abstract

“White Revolution” a name for social and economic reforms that Mohammad Reza Pahlavi confirmed in the 1960s and the 1970s was actualized as a result of growing domestic and international pressures. The purpose of these reforms was to keep out of traditional influential class and at once to rely on new groups specially farmers and new middle class. Hence, principles such as “Land Reforms”, “Sharing Workers in Profits of Factories”, and creation of the “Knowledge Corps”, were included in the “White Revolution” Plan. Reforms from above were taken by the regime, while social groups were against it due to an increasing level of tyranny on the one hand and expansion of US influence in Iran on the other. The repression led many intellectuals to criticize groups influenced by the changes brought about by “White Revolution” in the form of poetry and novels. Given this background, the purpose of this research is to study the impacts of “Land Reforms” on farmers in political and social novels during the 1960s and the 1970s, meanwhile using Lucien Goldmann’s theory of Sociology of Literature to reinforcement the scientific aspect of research. This research is descriptive and analytic. The research methodology, in this respect, is library-based. The data collection in this research is based on the scanning of documents and specialized publications and the analysis of political and social novels of this period, focusing on farmers’ lives. The result of research shows that during mentioned period, writers had criticized conditions of farmers in and by novel format and personages, and also they recognized the land reforms as main cause of worsening work and life conditions in rural areas.

Key word: Sociology of Literature, Structural Constructivism, White Revolution, Land Reform, Social novel.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان. (این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری عاطفه فروغی از دانشگاه اصفهان با عنوان تحلیل بازتاب انقلاب سفید بر شرایط کشاورزان و کارگران در ادبیات داستانی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی؛ مطالعه موردی رمان‌های سیاسی و اجتماعی و داستان‌های کوتاه، است)

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان. (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان.

4. Ph.D. Candidate of political science, University of Isfahan . Email: Atefeh.forough@gmail.com  
5. Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, University of Isfahan. Email: h.masoudnia@ase.ui.ac.ir

6. Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, University of Isfahan. Email: javad@ase.ui.ac.ir

## ۱- مقدمه

### ۱-۱- طرح مسئله

رشد و گسترش رشته‌های علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران، همانند سایر نقاط جهان در سال‌های اخیر سبب انجام‌دادن مطالعات بین‌رشته‌ای گردیده است؛ از این رو به دنبال تأمل در پژوهش‌های دانشگاهی در حوزه‌های علوم انسانی طی دو دههٔ اخیر، علاوه بر نزدیکی روش تحقیق علوم انسانی مانند تاریخ، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی به یکدیگر، شاهد تلاش برای تعریف مطالعات بین‌رشته‌ای و کمک‌گرفتن از برخی علوم برای تکمیل اطلاعات علمی برخی رشته‌های دیگر هستیم.

استفاده از متون ادبی برای شناخت اوضاع اجتماعی، سیاسی و تاریخی یک مقطع زمانی، از نمودهای بارز تلاش برای نزدیکی رشته‌های علوم انسانی و مطالعات بین‌رشته‌ای است. اهمیت این موضوع زمانی روشن می‌شود که از منظر «تحلیل گفتمان» همیشه میان گفتمان حاکم و ادبیات رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد؛ به عبارت دیگر در بیشتر جوامع، متون ادبی و تاریخی همسو با گفتمان سیاسی حاکم است البته هر گفتمان سیاسی مخالفانی نیز دارد. یکی از راهکارهای مخالفان وضع موجود، استفاده از آفرینش‌های ادبی است. آنها برای بیان دیدگاه‌های خود انواع ادبی مانند شعر و رمان<sup>۷</sup> را برمی‌گزینند. به نظر می‌رسد چنین وضعیتی دربارهٔ ایران دههٔ ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی نیز صادق است. هم‌زمان با اجرای برنامهٔ انقلاب سفید و به‌طور خاص اصلاحات ارضی، بسیاری از گروه‌های اجتماعی به مخالفت با آن برخاستند اما به دلیل اختناق حاکم بر فضای سیاسی جامعه ناگزیر شدند تا دیدگاه‌های خود در قالب رمان و شعر بیان کنند.

### ۱-۲- سؤال تحقیق

با توجه به این پیشینه، محور اصلی پژوهش حاضر این سؤال است که برنامهٔ اصلاحات ارضی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی چه تأثیری بر زندگی کشاورزان در ایران داشته است؟ و این موضوع چگونه در رمان‌های سیاسی و اجتماعی این دوره به‌تصویر کشیده شده است؟

### ۱-۳- فرضیه تحقیق

فرضیهٔ پژوهش بر این مبناست که روشنفکران این مقطع با استفاده از ادبیات سیاسی به‌ویژه رمان‌های انتقادی، در صدد ترسیم ناراضیتی خود و کشاورزان برآمده‌اند.

## ۱- ۴- روش تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی است. روش تحقیق، اسنادی - کتابخانه‌ای است. گردآوری اطلاعات در این پژوهش با استفاده از فیش برداری اسناد و نشریات تخصصی و تحلیل رمان‌های سیاسی و اجتماعی این دوره با محوریت زندگی کشاورزان است. انتخاب رمان‌های نمونه تحقیق، بر مبنای ارزیابی منتقدان ادبی درباره نویسندگان رمان‌ها به‌عنوان نویسنده شاخص و منتقد یا معترض صورت گرفته و به‌ویژه از نظریات حسن میرعابدینی در صد سال داستان‌نویسی ایران بهره‌برداری شده است. ضمن اینکه برای درک بهتر این موضوع از چهارچوب نظری ساختارگرایی لوسین گلدمن<sup>۸</sup> استفاده شده است.

## ۱- ۵- پیشینه تحقیق

در حوزه انقلاب سفید و اصلاحات ارضی آثار متعددی شامل کتاب و مقاله به‌نگارش درآمده است ولی در همه این آثار صرفاً به نتایج و پیامدهای مثبت و منفی اصلاحات ارضی با استفاده از آمار و ارقام موجود پرداخته شده است. تفاوت پژوهش حاضر با این دسته از آثار در این است که به بررسی آثار اصلاحات ارضی در رمان‌های اجتماعی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی می‌پردازد و آنچه را که روشنفکران و نویسندگان مطرح از آثار و پیامدهای اصلاحات ارضی بر زندگی کشاورزان ایرانی در آفرینش ادبی خود بازتاب داده‌اند، بررسی می‌کند. در این زمینه تا کنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است.

## ۲- بحث و بررسی

۲-۱- استبداد سیاسی و تکوین گفتمان انتقادی در ادبیات دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی  
کودتای آمریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شمسی، باعث سرنگونی دولت ملی محمد مصدق و بازگشت مجدد محمدرضا پهلوی به کشور و در دست گرفتن قدرت شد. دهه ۱۳۳۰ شمسی را می‌توان دوران تحکیم پایه‌های رژیم پهلوی دانست. رژیم پهلوی در این دوره سعی کرد تا از طریق سیاست سرکوب، یارگیری و تقویت مناسبات با غرب به‌ویژه آمریکا، به هدف اصلی خود؛ یعنی تحکیم استبداد نایل آید. شاید مهم‌ترین برنامه رژیم در داخل برای نیل به این هدف ایجاد نهاد ساواک، و در محیط بین‌المللی فاصله‌گیری از حالت کشوری بی‌طرف و تبدیل شدن به متحد

استراتژیک آمریکا در منطقه بود.<sup>۹</sup> از منظر پایگاه اجتماعی، رژیم در دهه ۱۳۳۰ شمسی بیشتر در داخل کشور بر طبقه متنفذ سنتی یعنی مالکان، زمین‌داران و ثروتمندان متکی بود. تحلیل پایگاه اجتماعی و طبقاتی نمایندگان مجلس هجدهم و نوزدهم شورای ملی بیانگر این موضوع است. نزدیکی ایران و آمریکا، همراه با استبداد، به تدریج مخالفت طبقه متوسط جدید در داخل را برانگیخت؛ اما گفتمان سیاسی حاکم چنین چیزی را بر نمی‌تابید و در صدد تقویت استبداد خود بود. به قدرت رسیدن جان اف کندی<sup>۱۰</sup> در آمریکا و تأکید وی بر اجرای اصلاحات در ایران، همراه با برخی فشارهای داخلی، به تدریج زمینه‌ساز اصلاحات در ایران شد که نقطه عطف آن برنامه انقلاب سفید بود.<sup>۱۱</sup>

اجرای اصول انقلاب سفید، مخالفت گروه‌های مختلف از جمله طبقه متوسط سنتی و جدید را برانگیخت. با توجه به استبداد سیاسی حاکم بر جامعه آن دوره، طبقه متوسط جدید در صدد برآمد تا اعتراض خود را در قالب شعر و رمان بیان کند. از این رو به نظر می‌رسد یکی از راه‌های شناخت اوضاع اجتماعی هر دوره تاریخی و واکنش گروه‌های مختلف به وضع موجود، بررسی ادبیات سیاسی آن مقطع به‌ویژه رمان‌های سیاسی و اجتماعی باشد.<sup>۱۲</sup> اهمیت این موضوع به اندازه‌ای است که سبب شکل‌گیری مطالعات میان‌رشته‌ای، موسوم به جامعه‌شناسی ادبیات<sup>۱۳</sup> شده که یکی از معروف‌ترین نظریه‌پردازان آن لوسین گلدمن (۱۹۱۳ - ۱۹۷۰)، فیلسوف و نظریه‌پرداز مجارستانی، است.

پس از گیورگ لوکاج<sup>۱۴</sup>، لوسین گلدمن شناخته‌شده‌ترین محقق در جامعه‌شناسی ادبی و به‌طور خاص جامعه‌شناسی رمان است. جامعه‌شناسان ادبیات و منتقدان ادبی با توجه به اینکه آثار فرهنگی در بستر اجتماعی تولید می‌شوند، این آثار مخصوصاً رمان‌ها را به‌عنوان داده‌های جامعه‌شناختی در نظر می‌گیرند و از رمان‌های هر دوره تاریخی به‌عنوان شاخصی برای شناخت روابط و نگرش‌های اجتماعی آن دوره استفاده می‌کنند. این دیدگاه در تعارض کامل با دیدگاه کسانی است که آثار ادبی

۹. مارک. ج. گازیوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه (بنای دولت دست‌نشانده در ایران)، ترجمه فریدون فاطمی، (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۱)، ص ۱۵۱.

10. John F. Kennedy

۱۱. جیمز. ا. بیل، شیر و عقاب (روابط بدفرجام ایران و آمریکا)، ترجمه فروزنده برلیان، (تهران: نشر فاخته، ۱۳۷۱)، ص ۱۸۳.

۱۲. حسین مسعودنیا، «تاریخ به مثابه گفتمان؛ بازکاوی رابطه گفتمان تاریخی و سیاسی در ایران معاصر»، مجله رهیافت‌های

سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۳، (بهار ۱۳۸۷)، ص ۱۲۳ - ۱۲۷.

13. Sociology of Literature

14. György Lukács

و رمان را صرفاً از بعد ادبی یا زیبایی‌شناختی بررسی می‌کنند. گلدمن در کتاب *جامعه‌شناسی ادبیات* (دفاع از جامعه‌شناسی رمان) روش کار و دیدگاه‌های خود به‌طور روشن توضیح می‌دهد. به نظر او «از آنجا که رمان در اصل، در سرتاسر نخستین بخش تاریخ خود، نوعی زندگی‌نامه و وقایع‌نامه اجتماعی بوده است، جامعه‌شناسان ادبیات توانسته‌اند نشان دهند که این وقایع‌نامه اجتماعی کمابیش جامعه عصر خود را منعکس کرده است، اما برای اعلام چنین نظری به‌راستی نیازی نیست که جامعه‌شناس باشیم.»<sup>۱۵</sup> گلدمن برای جامعه‌شناسی رمان چهارچوبی نظری را که «ساختارگرایی تکوینی»<sup>۱۶</sup> یا «ساختارگرایی تاریخی»<sup>۱۷</sup> نامیده می‌شود، ارائه می‌دهد. برای گلدمن ساختارگرایی تکوینی معادل کاربرد روش دیالکتیکی<sup>۱۸</sup> است. هیچ‌یک از پدیده‌های انسانی اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی، جمعی یا فردی، مادی یا معنوی، تشریح‌شدنی و دریافت‌پذیر نیستند مگر در بستر تاریخی گسترده‌تری که آنها را در بر می‌گیرد؛ فرایندی که به گذشته و حال محدود نمی‌شود و رو به آینده دارد.<sup>۱۹</sup>

مقوله کلیت، در ساختارگرایی تکوینی لوسین گلدمن نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. بدین ترتیب برای بررسی اثری برجسته، دو مرحله باید طی شود: نخست باید آن اثر را در ساختارش فهمید که این مرحله را فرایند درک<sup>۲۰</sup> (دریافت) می‌گویند. دوم باید این ساختار را در ساختار اقتصادی - اجتماعی آن جای داد که این مرحله، روند توضیح<sup>۲۱</sup> نام دارد. درک (دریافت) یعنی شناخت ساختار معنادار اثر، و تشریح یعنی گنجاندن ساختار معنادار اثر در ساختار فراگیر اجتماعی. درک، نتیجه شناخت قوانین درونی ساختار اثر است. تشریح، در پی گنجاندن دیالکتیکی این ساختار در کلیت تاریخی - اجتماعی به‌دست می‌آید. اما این گنجاندن و برقراری پیوند هنگامی که دیالکتیکی نباشد ممکن است به بدترین ناکامی‌ها بینجامد.<sup>۲۲</sup> دیالکتیک تشریح و دریافت، بر این فرض مبتنی است که ساختارها خصلتی بامعنا و کارکردی دارند و نشان‌دهنده واکنش انسان‌ها در مواجهه با مسائل مختلف‌اند.

۱۵. لوسین گلدمن، *جامعه‌شناسی ادبیات: دفاع از جامعه‌شناسی رمان*، ترجمه محمدجعفر پوینده، (تهران: هوش و ابتکار، ۱۳۷۱)،

ص ۲۷.

16. Genetic Structuralism

17. Historical Structuralism

18 Dialectical Method

۱۹. علی‌اکبر امینی، *گفت‌وگوهای ادبیات سیاسی ایران در آستانه دو انقلاب*، (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۰، چاپ دوم)، ص ۲۸.

20. Understanding Process

21. Exploration Process

۲۲. سامی نعیر، *صورت و فاعل در آفرینش فرهنگی*، در *جامعه، فرهنگ، ادبیات*، ترجمه محمدجعفر پوینده، (تهران: چشمه، ۱۳۸۰)،

ص ۷۵.

اثر هنری با آفرینش جهانی که ساختاری دقیق و استوار دارد، علاوه بر جبران تخیلی ناکامی‌های واقعی، باعث تقویت آگاهی گروهی می‌شود؛ زیرا دقیقاً بر اساس گرایش‌های گروه اجتماعی شکل می‌گیرد و بر انسجام و مقوله‌ کلیت مبتنی است.

در پاسخ به این سؤال که چرا و چگونه بعضی از آثار هنری از نظر زیبایی‌شناختی بهتر از دیگران در نظر گرفته می‌شوند، در حالی که همه در یک جامعه خاص خلق شده‌اند، گلدمن از مفهوم «فرد استثنایی» استفاده می‌کند. به نظر او هر هنرمندی قادر نیست تصویری منسجم از جهان‌بینی معاصر خود را در یک اثر هنری منعکس کند. تنها فرد استثنایی است که قادر به تحقق این کار است و این فرد استثنایی نه تنها در درون گروه اجتماعی تنیده شده است، بلکه تا حد بسیار زیادی از ارزش‌ها و اعتقادات گروه خود آگاهی دارد و به همین دلیل، توانایی ساخت بهترین اثر بازتابی در یک دوره معین را دارد؛ اثری که دارای بیشترین حد تأثیر زیبایی‌شناختی هم هست.<sup>۲۳</sup>

دوره مورد نظر این پژوهش، دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی است. آنچه مورد نظر است مجموعه اقداماتی است که سرآغاز رسمی آنها سال ۱۳۴۲ بود و پهلوی دوم از آنها با عنوان انقلاب سفید یا انقلاب شاه و مردم یاد می‌کرد. از این رو دوره مورد مطالعه اگرچه به ظاهر دو دهه را در بر می‌گیرد، اما در واقع ۱۷ سال است. این دوره ۱۷ ساله از جهات گوناگون دارای اهمیت است و در بیشتر تقسیم‌بندی‌های تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از سوی پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته؛ زیرا میان دو انقلاب سفید و انقلاب اسلامی، یعنی دو نقطه عطف تاریخی قرار گرفته است. در حوزه ادبیات، از این دوره با نام‌های متفاوتی یاد شده است که علاوه بر تأیید اهمیت آن، بیانگر سیاسی‌بودن ادبیات این دوره هم می‌باشد، از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: دهه بیداری و خودآیی،<sup>۲۴</sup> دوره اعتراض، دوره ادبیات سیاسی و پرخاشگر،<sup>۲۵</sup> گفتمان معترض، ادبیات ستیزنده، شتابنده و دوره رشد و شکوفایی.<sup>۲۶</sup> دلیل دیگر اهمیت ادبی این دوره این است که نسبت آثار این دوره ۱۷ ساله در مقایسه با دوره‌های قبل و بعد از آن چشمگیر است. همچنین در این دوره اتفاقات مهمی از لحاظ کیفی در ادبیات ایران رخ داده است. بسیاری از صاحب‌نظران نه تنها از نظر

۲۳. اعظم راورداد، نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۰، چاپ دوم)، ص ۹۷.

۲۴. حسن میرعابدینی، صد سال داستان‌نویسی ایران، جلد اول تا سوم، (تهران: چشمه، ۱۳۷۷، ویراست دوم)، ص ۴۰۶.

۲۵. مصطفی گرجی، بررسی و تحلیل ادبیات داستانی سیاسی معاصر (۱۳۵۷ - ۱۳۸۵)، (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی

جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۰).

۲۶. مهدیه مرادپور آرانی، بازنمایی نارضایتی سیاسی و اجتماعی در ادبیات داستانی پیش از انقلاب (سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷)،

پایان‌نامه کارشناسی ارشد، (تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰)، ص ۳۹.

کمی که ناظر به تعداد نویسندگان این دوره و تعداد آثار منتشره آنهاست، بلکه از نظر کیفی نیز این دوره را سرآمد ادوار دیگر می‌دانند. روند شکل‌گیری کانون نویسندگان ایران تأکیدی است بر این مدعا که دهه ۱۳۴۰ شمسی دوران شکل‌گیری جریان ادبی جدیدی است.<sup>۲۷</sup>

از اواخر دهه ۱۳۳۰ به بعد که قدرت مطلقه، سیطره خود را بر تمام امور، تثبیت شده ارزیابی کرد، اندکی از اختناق تام خود را کاست و به بعضی از آثار ادبی جواز انتشار داد. پس از اجرای اصلاحات و بروز مخالفت‌ها، حکومت برای خنثی کردن و کمرنگ جلوه‌دادن این جریان، در حوزه ادبیات و هنر و تئاتر مختصری فضای باز ایجاد کرد. تولید حجم بالای آثار داستانی سیاسی، بدون توجه به ادبیات متعهد و ادبیات بی‌طرف امکان‌پذیر نبود. طرح ادبیات بی‌طرف و متعهد ناشی از تغییراتی بود که خود رژیم بانی آن بود. به عبارت دیگر از آنجا که دولت درهای خود را به روی هر گونه فعالیت معنادار اجتماعی یا سیاسی بسته بود، نتیجتاً اعضای جامعه ادبی از فضای باز نشریات ادبی استفاده کردند تا بعضی شکایت‌های گذشته خود را بیان کنند. برای آنان، ادبیات ابزاری برای تغییر و وسیله‌ای سیاسی شد تا از طریق آن، موضوعات سانسور، فساد، سرکوب، استبداد و وضع دشوار محرومان را جلوه‌گر سازند. بسیاری از هنرمندان، شاعران، مترجمان و نویسندگان به هواداری از ادبیات متعهد که همچون سخنگوی تهیدستان و محرومان عمل می‌کرد، برخاستند. ضعف جامعه مدنی و سازوکارها و نهادهای مربوط به آن، در آن دوره تاریخ ایران، مانند سایر جوامع در حال توسعه، مشهود بود. در این وضعیت، ادبیات می‌توانست وظیفه جامعه مدنی را بر عهده بگیرد و واسطه‌ای برای انتقال و انعکاس نیازها و شرایط گروه‌ها و طبقات جامعه باشد. با تحلیل محتوای رمان‌های سیاسی و اجتماعی هر دوره می‌توان واکنش گروه‌ها و اقبشار مختلف جامعه در برابر تغییرات عرصه‌های سیاست و اجتماع کشور را استنباط کرد.

## ۲-۲- اصلاحات ارضی و کشاورزان در ایران

در ۱۹ دی ماه ۱۳۴۱ شمسی شاه در همایشی با حضور جمعی از مقامات کشوری و تعدادی از کشاورزان شرکت یافت و طی سخنانی خطاب به ملت ایران با یادآوری رسالت سنگینی که بر دوش گرفته و نیز سوگندی که برای حفظ استقلال و اعتلای میهن یاد کرده است، اصول انقلاب سفید یا «انقلاب شاه و مردم» را اعلام و تأکید کرد که اصول مذکور را مستقیماً به همه‌پرسی خواهد گذاشت. برنامه انقلاب شاه و مردم یا انقلاب سفید شامل شش اصل بود:

- ۱- اصلاحات ارضی؛<sup>۲۸</sup>
- ۲- ملی شدن جنگل‌ها و مراتع؛
- ۳- فروش سهام کارخانه‌های دولتی به‌عنوان پشتوانه اصلاحات ارضی؛
- ۴- سهیم شدن کارگران در سود کارگاه‌ها؛
- ۵- اصلاح قانون انتخابات (شامل اعطای حق رأی و وکالت مجلس به زنان)؛ و
- ۶- ایجاد سپاه دانش (برای مبارزه با بی‌سوادی).

در روز ۶ بهمن ۱۳۴۱ شمسی این اصول به همه‌پرسی گذاشته شد و با رأی اکثریت قاطع به مرحله اجرا رسید. تا سال ۱۳۴۵ شمسی سه ماده دیگر به این اصول شش‌گانه افزوده شد و منشور انقلاب سفید به منشوری نه ماده‌ای تبدیل شد. این سه اصل عبارت بودند از: سپاه بهداشت، سپاه ترویج و آبادانی و خانه‌های انصاف.<sup>۲۹</sup>

لایحه قانونی اصلاحات ارضی در دی ماه ۱۳۴۰ شمسی به تصویب هیئت دولت رسید و به موقع اجرا درآمد. پس از اینکه لایحه اصلاحی قانون اصلاحات ارضی تصویب گردید، دولت خواست تا در وهله اول آن را در یکی از نواحی کشور که در آن عمده‌مالکی بیش از سایر نقاط بود به اجرا گذارد و تجربیات حاصل از آن را در سایر مناطق به کار گیرد. پس از بررسی‌های معمول، شهرستان مراغه به‌عنوان نمونه مناسب تشخیص داده شد و از اوایل بهمن ۱۳۴۰ شمسی اجرای قانون اصلاحات ارضی از مراغه شروع گردید.<sup>۳۰</sup> اجرای برنامه سوم عمرانی و از آن مهم‌تر اجرای برنامه اصلاحات ارضی در نیمه نخست دهه ۱۳۴۰ شمسی نقش عظیمی در تغییر بافت جمعیتی ایران از طریق مهاجرت روستاییان به شهرها ایفا کرد و سپس بر ساختار فرهنگی، اقتصادی و مناسبات سیاسی ایران چنان تأثیر ژرفی برجا گذاشت که می‌توان انقلاب بهمن ۱۳۵۷ را یکی از پیامدهای آن شمرد.<sup>۳۱</sup>

## ۲-۲-۱- مراحل سه‌گانه اصلاحات ارضی

اصلاحات ارضی در ایران در چند مرحله اجرا شد؛ چرا که بیم آن می‌رفت که اجرای یکباره آن در

۲۹. محمدرضا پهلوی، *انقلاب سفید*، (تهران: کتابخانه سلطنتی پهلوی، ۱۳۴۵)، ص ۵.

۳۰. اختر رحمانی، *مالکیت و بهره‌برداری از زمین در ایران*، (بی‌جا: شرکت سهامی چاپ و انتشار کتب ایران، ۱۳۴۸)، ص ۲۶۳.

۳۱. سعید لیلایز، *موج دوم تجدد آمرانه در ایران (تاریخ برنامه‌های عمرانی سوم تا پنجم)*، (تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۹۲)، ص



جامعه‌ای مانند ایران که سابقه‌ای دیرین در روابط ارباب - رعیتی داشت با شکست مواجه گردد. در منابع مربوط به اصلاحات ارضی این فرایند در سه مرحله تعریف و تقسیم‌بندی شده است.

### الف) مرحله اول اصلاحات ارضی (۱۳۴۱-۱۳۴۳)

در مرحله نخستین اصلاحات ارضی هدف اصلی، خلع ید اقتصادی بزرگ‌مالکان بود که برای انجام دادن آن راهی نسبتاً ساده و عملی یافته شد؛ به جای آنکه پایه اصلاحات ارضی بر مساحت زمین‌های کشاورزی گذارده شود و برای آن حداکثری تعیین گردد، ده شش دانگ که از دیرباز واحد تولید کشاورزی به‌شمار می‌رفت، اساس کار قرار داده و مالکیت زمین به داشتن یک ده محدود شد. هر بزرگ‌مالکی می‌بایست از میان دهات ملکی خویش یکی را برای خود برگزیند و بازمانده را به دولت بفروشد تا میان کشاورزان تقسیم گردد. برای تقسیم زمین میان کشاورزان نیز راهی ساده در پیش گرفته شد و آن تقسیم زمین بر اساس نسق‌بندی زراعی معمول دهات بود. از دیرباز کشاورزان قطعه زمینی را برای زراعت در اختیار داشتند؛ این تقسیم‌بندی بر اساس عرف و عادت محل انجام می‌گرفت و گاه نسل‌ها حفظ می‌شد. بر طبق قانون در دهات مشمول اصلاحات ارضی، هر زارعی زمینی را که بر روی آن زراعت می‌کرد، صاحب می‌شد.<sup>۳۲</sup>

### ب) مرحله دوم اصلاحات ارضی (۱۳۴۳ - ۱۳۴۹)

در دی ماه ۱۳۴۱ شمسی متممی به نام «مواد الحاقی» برای تکمیل قانون اصلی اصلاحات ارضی به تصویب رسید و بر اساس آن سازمان اصلاحات ارضی کل کشور آماده اجرای مرحله دوم قانون شد که این کار پس از انجام دادن تشریفات مقدماتی از اسفند ماه ۱۳۴۳ شمسی در سراسر کشور آغاز گردید.<sup>۳۳</sup> در این مرحله مقرر شد که مالکان بزرگی که اراضی آنها مشمول مرحله اول اصلاحات ارضی نشده بود بین ۲۰ تا ۱۵۰ هکتار از اراضی مکانیزه را برای خود نگه دارند و بقیه را به یکی از سه روش پیشنهادی ذیل به رعیت واگذار کنند:

روش اول: املاک خود را به صورت نقدی به رعیت اجاره دهند و مدت اجاره هم ۳۰ سال باشد.  
روش دوم: اراضی خود را مستقیماً به رعیت یا رعایا بفروشند و سند هم به نام آنان صادر شود.  
روش سوم: مالک و رعیت با هم شریک شوند و بر اساس میزان کار و نهاده‌های ارائه شده از

۳۲. حسن پورافضل و بهاء‌الدین نجفی، اصلاحات ارضی و واحدهای دسته‌جمعی تولید کشاورزی، (بی‌جا: انتشارات دانشگاه

پهلوی، ۱۳۵۱)، ص ۳۰.

۳۳. پهلوی، ص ۴۴.

طرفین، ۲ سهم از ۵ سهم را مالک و ۳ سهم از ۵ سهم را رعیت ببرد که تقریباً همان شیوه ارباب - رعیتی قبل از اصلاحات ارضی بود با این تفاوت که واحدهای سهامی مشترک و یا نوعی تعاونی تولید تشکیل می‌شد. طبق آمارهای ثبت‌شده، حدود ۸۰ درصد اربابان راه اول را انتخاب کردند که ضمن حفظ املاک خود توانستند هر ۵ سال یک بار نیز مبلغ اجاره را تغییر دهند.<sup>۳۴</sup>

### ج) مرحله سوم اصلاحات ارضی (۱۳۴۹-۱۳۵۱)

این مرحله تا اواسط سال ۱۳۵۱ شمسی طول کشید که در واقع اصلاح برنامه‌های اول و دوم بود و موجب نارضایتی بین زارعان شد و بلا تکلیفی بعضی از مفاد اصلاحات ارضی را نیز به همراه داشت. در این مرحله سیاست‌هایی به مرحله اجرا درآمد که در مجموع به نفع قشر مرفه و اربابان سابق تمام شد؛ به طوری که در این مرحله باید یکی از دو پیشنهاد زیر بین ارباب و رعیت انتخاب و رعایت می‌شد:

- ۱- زمین‌های کشاورزی باید بین مالکان (اجاره‌دهندگان) و زارعان (اجاره‌کننده‌ها) به نسبت بهره مالکانه متداول تقسیم می‌شد.
- ۲- زمین‌های زراعی به قیمت بیش از ۱۲ برابر اجاره‌بهای سالیانه آن، از طرف دولت به زارعان فروخته می‌شد که مسلماً فشارهای مالی به کشاورزان در روستاها به مراتب بیشتر می‌شد و اگر قادر به برقراری چنین توافقی نبودند باید مانند سابق به صورت رعیت در اختیار مالکان مشغول به کار می‌شدند و ادعای مالکیتی روی زمین نداشته باشند.

تا تاریخ ۱۳۵۱/۵/۳۱ حدود ۳۳ درصد از خانوارهای روستایی، یعنی یک سوم جامعه روستایی ایران به هر صورتی که امکان داشت صاحب زمین شدند و با اضافه شدن صاحبان زمین و خرده‌مالکان مراحل اول و دوم اصلاحات ارضی، در مجموع تا پایان مراحل سه‌گانه اصلاحات ارضی، ۵۸ درصد خانوارهای روستایی در لیست مالکان صاحب زمین قرار گرفتند. ذکر این نکته لازم است که حدود ۹ میلیون هکتار یعنی ۴۰ درصد از بهترین اراضی حاصلخیز کشور در خوزستان، گرگان، خراسان، سمنان و فارس که به «مستثنیات اصلاحات ارضی» معروف گشتند، شامل اصلاحات ارضی نشدند.<sup>۳۵</sup> در این مرحله، دولت نقش چندانی در تقسیم زمین بازی نکرد؛ در نتیجه مالکان، زمین‌ها

۳۴. رضا مستوفی‌الممالک، جغرافیای روستایی (مبانی و ایران، با تأکید به اصلاحات ارضی و دگرگونی ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی روستاهای ایران)، (یزد: انتشارات وصال، ۱۳۸۵)، ص ۷۲ - ۷۳.

۳۵. مسعود مهدوی، مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران، ج اول (تهران: سمت، ۱۳۷۷)، ص ۳۵ - ۳۶.

را با قیمتی که خودشان می‌خواستند فروختند. بسیاری از مالکان بانفوذ، زمین‌های مرغوب را برای خود نگه داشتند و زمین‌های نامرغوب و ضعیف را به رعایا دادند.

### جدول ۱- اصلاحات ارضی در ایران<sup>۳۶</sup>

مرحله اصلاحات ارضی	تعداد کشاورزانی که زمین دریافت کرده‌اند
مرحله اول	۷۵۳۰۰۰
مرحله دوم	۲۱۳۰۰۰
مرحله سوم	۸۰۰۰۰۰
کسانی که قرارداد بلندمدت وقف دارند	۱۷۲۰۰۰
کل کسانی که زمین دریافت کرده‌اند	۱۹۳۸۰۰۰

در راستای اجرای این قانون، شرکت‌های سهامی زراعی، شرکت‌های کشت و صنعت و شرکت‌های تعاونی به‌وجود آمدند. با الغای رژیم ارباب - رعیتی و خلع ید از اربابان، خلأ قدرت و مدیریت ایجاد شد. زمین‌های کشاورزی بین رعایای بی‌سرمایه و فاقد وسایل کشاورزی و عمدتاً فاقد مدیریت تقسیم شد. برای جبران این کاستی‌ها کشاورزان به عضویت شرکت‌های یادشده درآمدند تا این نهادهای مدنی و اجتماعی کشاورزان را یاری کنند. اما مدیران و مسئولانی که برای اداره شرکت‌ها گماشته شده بودند به علت سوء مدیریت نتوانستند و یا نخواستند اقدامی به نفع کشاورزان انجام دهند و یا در راه سودجویی افتادند و کشاورزان بی‌سواد و ناآگاه و ستم‌کشیده را چون اربابان سابقشان آزرده ساختند و در نتیجه آنها هم زمین‌های خود را رها کردند و به دنبال سرنوشت و تأمین شغلی دیگر روانه شهرها شدند و روستاها را خالی کردند؛ در نتیجه، سطح تولیدات کشاورزی به میزان چشمگیری کاهش یافت.<sup>۳۷</sup> اصلاحات ارضی نتایج اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مختلفی به دنبال داشت که در زیر توضیح داده می‌شوند.

۳۶. امیرمحمد حاجی‌یوسفی، اصلاحات ارضی در ایران: زمینه‌ها، سیاست‌ها و پیامدها، در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران

(۱۳۲۰ - ۱۳۵۷) به اهتمام مجتبی مقصدی، (تهران: روزنه، ۱۳۸۰)، ص ۴۰۰.

۳۷. حسین تجدد، «پیامدهای مثبت و منفی اجرای قانون اصلاحات ارضی در ایران»، ماهنامه حافظ، شماره ۵۴، (شهریور

۱۳۸۷)، ص ۵۳ - ۵۲.

## ۲-۲-۲ نتایج اقتصادی اصلاحات ارضی

هدف اصلاحات ارضی باز کردن راه رشد سریع‌تر سرمایه‌داری از طریق درهم‌شکستن مناسبات کهنه ارضی، رونق اقتصادی کشور و گسترش بازار تولیدات داخلی از طریق تقویت نیروی خرید روستاییان و به‌ویژه تقویت طبقه متوسط مرفه روستا، و نیز رشد تولید کشاورزی از طریق افزایش بازده زمین و گسترش سطح زیرکشت و استفاده کامل از تمام نیروی کار موجود از طریق پیدایش و یا گسترش رشته‌های تازه تولید بود. اصلاحات ارضی در ایران هیچ بهبودی در توزیع عادلانه اراضی و اصلاح ساختار الگوی مالکیت ارضی به نفع طبقه زمین‌دار کمتر از ۲ هکتار و طبقه بی‌زمین ایجاد نکرد. به طوری که بر اساس سرشماری‌های کشاورزی ایران برای سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۵۳ شمسی یعنی قبل و بعد از اصلاحات ارضی، از شمار افراد کم و بدون زمین کاسته نشد و همچنان بیش از نیمی از روستاییان را کشاورزان بی‌زمین یا کم‌زمین تشکیل می‌دادند.

جدول ۲- طبقات بهره‌بردار از زمین در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی<sup>۳۸</sup>

۱۳۵۳	۱۳۳۹	طبقات بهره‌بردار
۵۲/۴ درصد	۵۵ درصد	بدون زمین و کم‌زمین
۱۸/۱ درصد	۲۰/۸ درصد	۲-۵ هکتار
۱۴/۳ درصد	۱۰/۵ درصد	۵-۱۰ هکتار
۱۴/۳ درصد	۱۳/۲ درصد	۱۰-۱۵ هکتار
۰/۹ درصد	۰/۵ درصد	۵۰ هکتار به بالا

### الف) نتایج سیاسی اصلاحات ارضی

اصلاحات ارضی در حقیقت به‌طور عمده جنبه سیاسی داشت و هدف آن رفع اختلاف میان مالک و زارع و جلوگیری از تحریک و اغتشاش یا انقلاب و سرنگونی قدرت حاکمه، از طریق آزاد کردن رأی دهقانان و استقرار دموکراسی و تحکیم پایه‌های رژیم از طریق ایجاد طبقه وسیع دهقانان مرفه بود. اصلاحات ارضی، نظام طبقاتی قبل از اصلاحات ارضی را با شکل و صورت‌بندی دیگری احیا و تقویت کرد و فرصت تحرک اجتماعی را برای قشر ویژه‌ای - دهقانان مرفه - فراهم آورد و موقعیت

۳۸. پرویز نصیرخانی، بررسی تأثیر عامل دفع‌کننده روستایی (اصلاحات ارضی) و جذب‌کننده شهری در مهاجرت ایران، مدرس علوم انسانی (پژوهش‌های مدیریت در ایران)، شماره ۱، (زمستان ۱۳۷۵)، ص ۱۱۰.

گروه‌های برخوردار را در جامعه روستایی تثبیت کرد. این برنامه موجب تقویت دیوانسالاری در جامعه روستایی شد؛ به طوری که تمامی امور روستا را که قبل از آن به طور عمده به صورت مشارکت محلی روستاییان انجام می‌شد - اگرچه از مشارکت اصیل و واقعی به دور بود - از بین برد و دولت را همه‌کاره و دخیل در تمام امور روستا کرد. از یک سو تقلیل‌گرایی حاکم بر برنامه اصلاحات ارضی که جامعه روستایی را بیشتر از منظر سیاسی مورد توجه قرار داده بود، و از دیگر سو به فراموشی سپردن بافت و ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه روستایی، موجب ناکارآمدی هزینه‌های مصرف‌شده و برنامه‌ها شد. مهم‌تر اینکه برخوردهای پدرسالارانه و از بالا به پایین مأموران دولتی، توانمندی‌ها و قابلیت‌های مشارکتی را از روستاییان گرفت و موجب افزایش بی‌اعتمادی آنها نسبت به دولت و وابستگی بیشترشان به آن شد. اصلاحات ارضی، سازمان سنتی تولید را که فعالیت جمعی بر آن حاکم بود، دگرگون کرد و برای ابداع و تقویت همکاری‌ها و مشارکت روستاییان، به ارائه نهادها و سازمان‌های جدیدی اقدام کرد که موجب قطبی شدن جامعه روستایی شد.<sup>۳۹</sup>

#### ب) نتایج اجتماعی اصلاحات ارضی

نتایج اجتماعی اصلاحات ارضی، شامل تغییر شیوه زندگی و افزایش روحیه مصرف‌گرایی در روستاها می‌شود. این مسئله معلول افزایش تولیدات کشاورزی نبود؛ بلکه عموماً ناشی از دریافت وام‌هایی بود که به جای مصرف در بخش کشاورزی و کمک به افزایش محصولات، به مصرف کارهای غیرزراعی می‌رسید؛ این اعتبارات از طریق فروش نفت تأمین می‌گردید. با اجرای قانون اصلاحات ارضی، زمین‌های کشاورزی به قطعات کوچک‌تری تبدیل شدند و محصولات کشاورزی از نظر کمی و کیفی کاهش یافتند به طوری که حتی در پاره‌ای موارد اصلاً کشاورزی به صرفه و صلاح کشاورز نبود. از سوی دیگر بر اثر درآمدهای فراوان نفت، کشور دارای ثروت هنگفتی شده بود و زمامداران ایران در صدد بودند تا برای صنعتی کردن کشور به ایجاد صنایع و کارخانه‌ها دست بزنند. در نتیجه در اطراف شهرهای بزرگ مثل تهران، اصفهان و سایر نقاط، کارخانه‌ها و مراکز صنعتی بزرگی تأسیس شد و زمینه‌های لازم برای مهاجرت روستاییان به شهرها فراهم گردید. روستاییان به شهرهای بسیار دورتری از روستای محل زندگی‌شان مهاجرت کردند تا بتوانند شرایط بهتری برای زندگی به دست آورند. پس از اجرای اصلاحات ارضی، وضعیت جامعه ایران به گونه‌ای دیگر شد. شهرها گسترش یافتند و روستاهای زیادی از سکنه خالی و نابود شدند. کشور از نظر

۳۹. غلامرضا غفاری، «ساختار اجتماعی جامعه روستایی ایران»، نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۹، (بهار ۱۳۸۳)، ص ۱۳۲ - ۱۳۸.

خدمات اجتماعی و بهداشتی دچار تحول شد و جمعیت به طرز چشم‌گیری افزایش پیدا کرد. میزان مرگ‌ومیر کاهش یافت و امید به زندگی که از شاخص‌های میزان سلامتی است افزایش یافت. به دنبال افزایش نرخ زاد و ولد و افزایش جمعیت، میزان زمین کشاورزی محدود شد و در نتیجه مکانیزه‌شدن کشاورزی و افزایش بی‌کاری در روستاها و شهرهای کوچک، مهاجرت به شهرهای بزرگ افزایش یافت.<sup>۴۰</sup>

تحولات اجتماعی - فرهنگی دهه ۱۳۴۰ نویسنده‌گان را واداشت تا با دیدی تازه به مسائل زندگی روستایی بنگرند و موجد گرایش ادبی تازه‌ای گردند که در ادامه پژوهش به آن پرداخته می‌شود.

## ۲-۳- مطالعه موردی رمان‌های اجتماعی دهه های ۴۰ و ۵۰ شمسی

ادبیات داستانی<sup>۴۱</sup> یا داستان، جزء تفکیک‌ناپذیر زندگی بشر، مهم‌ترین ابزار فرهنگی جهان و نزدیک‌ترین قالب به فطرت انسانی است. در عرف نقد امروز، به آثار روایتی خلاقانه منشور - که مواردی از جمله قصه، رمانس<sup>۴۲</sup>، رمان، داستان کوتاه و آثار وابسته به آن را در بر می‌گیرد - ادبیات داستانی می‌گویند.<sup>۴۳</sup> منظور از جامعه‌شناسی در ادبیات، عبارت است از جست‌وجوی بازتاب ویژگی‌های اجتماعی هر دوره تاریخی در آثار ادبی که در آن دوره پدید آمده‌اند. گرایش به ادبیات روستایی و اقلیمی در ایران برای اولین بار در آستانه انقلاب مشروطه مورد توجه قرار گرفت اما همان‌طور که جنبش مشروطه نتوانست بین دهقانان نفوذ کند، ادبیات مشروطه نیز توجه جدی به مسئله ارضی نداشت. در دوره رضاشاه با افزایش ظلم و تعدی به دهقانان و رونق بزرگ‌مالکی، توجه به ادبیات روستایی و اقلیمی افزایش یافت؛ نهضت جنگل هم در افزایش این توجه مؤثر بود. اما در دهه ۱۳۴۰ این توجهات و کوشش‌های پراکنده به جریانی منظم و قوی مبدل شدند و داستان‌ها و رمان‌های بسیاری را پدید آوردند که با تغییرات اجتماعی مرتبط بودند.

در فاصله سال‌های ۱۳۴۰ - ۱۳۵۷ شمسی بیش از پنجاه نویسنده جوان نخستین کتاب‌های خود را منتشر کردند و از میان این عده چند نویسنده مستعد سر برآوردند. در دهه ۱۳۴۰ شمسی رمان مهم‌ترین بخش ادبیات منشور ما را تشکیل می‌داد. رشد طبقه متوسط، تمرکز شهری و افزایش

۴۰. تجدد، ص ۵۴ - ۵۵.

41. Fiction

42. Romance

۴۳. جمال میرصادقی و میمنت میرصادقی، *واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی (فرهنگ تفصیلی اصطلاحات ادبیات داستانی)*، (تهران:

مهناز، ۱۳۷۷)، ص ۱۱.

تحصیل کردگان، رمان را به رایج‌ترین نحوه بیان ادبی زمان تبدیل کرد.<sup>۴۴</sup> در میان عوامل تأثیرگذار و به عبارت بهتر بحران‌زا در این دوره زمانی، اصلاحات ارضی مقامی منحصر به فرد دارد. تحولات اجتماعی - فرهنگی دهه ۱۳۴۰ نویسندگان را واداشت تا با دیدی تازه به مسائل زندگی روستایی بنگرند و نیز گرایش ادبی تازه‌ای را که تحت عنوان «ادبیات روستایی و اقلیمی» شناخته می‌شود، بنا گذارند. نویسندگان جوانی که به ادبیات محلی گرویدند، از طریق بازنمایی زندگی مردم، آداب و رسوم، معماری و منظره‌های مختلف میهن، میدان مشاهده خود را وسعت بخشیدند. شروع جدی ادبیات روستایی با تکنوگاری‌های اجتماعی آل احمد و ساعدی بود. بسیاری از روشنفکرانی که به‌عنوان معلم روستا یا سپاهی دانش و بهداشت روانه روستاها شده بودند، به نوشتن مشاهدات و خاطرات خود از زندگی روستایی راغب شدند. این نویسندگان در داستان‌های منطقه‌گرایانه‌شان، با نگاهی جامعه‌شناختی حقایق زندگی در نقاط مختلف کشور را ثبت می‌کردند. به همین دلیل ضمن مطلع ساختن خوانندگان از شیوه‌های متفاوت زندگی، دید آنان را نیز نسبت به واقعیت‌های اجتماعی تغییر و توسعه دادند.<sup>۴۵</sup>

### جدول ۳- به‌گزین رمان‌های اجتماعی در دهه‌های ۱۳۴۰-۱۳۵۰ شمسی

ردیف	نام کتاب	سال نشر	نام نویسنده
۱	شریف‌جان، شریف‌جان	۱۳۴۴	تقی مدرسی
۲	نفرین زمین	۱۳۴۶	جلال آل احمد
۳	اوسنه باباسبحان	۱۳۴۹	محمود دولت‌آبادی
۴	کلیدر	۱۳۵۷	محمود دولت‌آبادی
۵	جای خالی سلوچ	۱۳۵۸	محمود دولت‌آبادی

### ۲-۳-۱- شریف‌جان، شریف‌جان

خلاصه داستان: تقی مدرسی بسیاری از خصوصیات جامعه آن زمان را در شهری کوچک به نام شریف‌جان - که بسیاری از خصوصیات جامعه ایران در آن جمع بود - گرد آورده است تا با شرح مقابله‌ای که بین سرهنگ جهان‌سوز (رئیس پادگان) و امیرخان اصلانی (مالک بزرگ شریف‌جان

۴۴. حسن میرعابدینی، تاریخ ادبیات داستانی ایران، (تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۲)، ص ۴۰۸.

۴۵. حسن میرعابدینی، ص ۵۰۵ - ۵۰۸.

صاحب ده جلال‌آباد) در این شهر پیش می‌آید، و از طریق بیان حوادثی که اغلب گسیخته و بی‌ربط می‌نماید، رویارویی با فئودالیسم<sup>۴۶</sup> را بازگو کند. سرهنگ می‌خواهد ملک بایری را از اصلانی بگیرد و با آوردن تراکتور آن را آباد کند. داستان از منظر فرهاد (پسر اصلانی) روایت می‌شود. او ناظر خفت و ذلت پدر است و شایعه رابطه مادرش با سرهنگ را از این و آن می‌شنود. پدرش بیمار و نیمه‌مجنون و طردشده و منزوی است. این مقابله، در فضای رابطه سرهنگ جهان‌سوز با همسر اصلانی و اعتراض اعضای خانواده اصلانی به بی‌غیرتی و بی‌حمیتی او و پیچ‌های دائمی مردم در اطراف زندگی آنها، بعد نمادین می‌یابد که به نوعی نمایانگر تزلزل زمین‌داران در مقابل حکومت و ترس از آن است؛ زمین‌دارانی که خود نیز چندان حقانیتی در تملک زمین‌ها ندارند و مالکیتشان حاصل تقلب پدرانشان در ثبت اموال موقوفه (سه‌م مردم فقیر) به نام خودشان است. در جریان یک مهمانی که سرهنگ طی آن دربارهٔ املاک جلال‌آباد و بی‌لیاقتی و ناتوانی اصلانی در اداره آنجا، گوشه و کنایه‌هایی به او می‌زند، اصلانی را عصبانی می‌کند و در مشاجره لفظی که میان آن دو درمی‌گیرد، سرهنگ تهدید می‌کند که زمین‌های وقفی را از او می‌گیرد. اما مردم شهر با آنکه سوابق مالکان را می‌دانند در این دعوا آرزوی شکست آنها را ندارند و از آن جهت که مالکان قدرت شناخته‌تر و مأموس‌تری هستند، آنها را بر نظامیان مأمور دولت ترجیح می‌دهند. در جریان اختلاف بین اصلانی و سرهنگ، زمانی که سرهنگ، اصلانی را پای محاکمه می‌کشد، مردم روستا به نفع اصلانی تظاهرات می‌کنند. سرهنگ جهان‌سوز پس از محاکمه خانه‌نشین می‌شود. اصلانی هم چند روزی ناپدید می‌شود و پس از بازگشت، به سراغ سرهنگ جهان‌سوز می‌رود و اختلافاتشان را با هم حل می‌کنند. در نهایت، رمان با سازش این دو قدرت پایان می‌یابد؛ توافقی که به خاطر حفظ مصالح هر دو طرف تا چندین سال بعد دوام می‌آورد. در فصل آخر کتاب، اصلانی به‌همراه پسر و همسر خود سوار بر قطار به شهر می‌رود تا تراکتور بیاورد و ملک خود را آباد کند.

## ۲-۳-۲- نفرین زمین

**خلاصه داستان:** مضمون ستیز با تجدد و بازگشت به زمین به‌عنوان نشانه‌ای از تمدن روستایی در حال زوال، آشکارترین نمود خود را در نفرین زمین دارد. «آقامعلم» که در شهر، مدیر مدرسه بوده به دلیل فروختن یک قو که از پرندگان محافظت‌شده بوده است، به روستا تبعید می‌شود. او در مدرسه روستا تنها معلمی است که از شهر آمده است و چون دوست دارد مستقل باشد به جای اسکان در



خانهٔ اربابی در یکی از اتاق‌های مدرسهٔ روستا ساکن می‌شود. روستا در پس فضای ساده و صمیمی خود کوهی از رویدادهای مختلف را پنهان کرده است. در همان ابتدای ورود، خبر ارتباط آقامعلم با ماه‌جان، زن بیوهٔ آبادی، همه جا پخش می‌شود و آقامعلم مجبور می‌شود با وساطت ارباب پیر و ازپافتادهٔ ده او را صیغه کند. کم‌کم نشانه‌های فناوری و صنعت در ده پیدا می‌شود و خبرهای اصلاحات ارضی هم همه جا پخش می‌شود. رادیو مدام مزایای شهرها را تبلیغ می‌کند و جوانان آبادی به شوق رسیدن به رفاه و آسایش، روستا را ترک می‌کنند. معلم در شب ورود به ده به مهمانی خانهٔ مدیر می‌رود. ریش‌سفیدها گرد آمده‌اند و دربارهٔ ورود تراکتور به ده مجاور و برخوردهای پدیدآمده بین روستاییان صحبت می‌کنند. تکنولوژی ضمن آسان‌تر کردن کارها، سازمان‌های مادی و معنوی گذشته را درهم ریخته و باعث اغتشاش در زندگی روستاییان شده است. به‌زودی موتور برق و آسیاب موتوری هم به ده محل سکونت آموزگار آورده می‌شود. مالک، قطعه‌ای از زمین‌ها را برای احداث مزرعهٔ مرغ‌داری و حفر چاه عمیق به غریبه‌ای در شهر فروخته است. در واقع آل احمد نشان می‌دهد که دگرگونی‌های روستا چون از مقتضیات درونی جامعه ناشی نشده روستا را متروک و روستاییان را روانهٔ کار در شهرها کرده‌اند.

## ۲-۳-۳- اوسنهٔ باباسبحان

**خلاصهٔ داستان:** در رمان *اوسنهٔ باباسبحان*، با پیوند عمیق یک روستایی فقیر با زمین روبه‌رو هستیم. زمینی که نه تنها وسیلهٔ معاش اوست، بلکه آنچنان با زندگی او جوش خورده که با آبرو و حیثیت و ناموس او یکی شده است و چشم‌داشتن دیگری به آن همان اندازه مایهٔ خشم و عذاب است که چشم‌داشتن به همسر و شریک زندگی او. در نخستین فصل از رمان *اوسنهٔ باباسبحان*، «صالح» پسر باباسبحان به خانه می‌آید و خبر می‌آورد که قرار است مالک، زمین را از آنها بگیرد و به «غلام»، جوان بی‌عار و بیگانه با زمین، اجاره دهد. این خبر فضای خانواده را متشنج می‌کند. فصل دوم به شیوهٔ زندگی و روحیات غلام اختصاص دارد. او هم مثل صالح، در سیر ماجراهای رمان، یک قربانی بیش نیست. فصل‌های سوم تا پنجم رمان مختص معرفی مالک، «عادل» است. عادل بازماندهٔ زمین‌داری ورشکسته است که به شهر آمده و زندگانی خود را از اجارهٔ پارهای زمین و مستغلاتی که شوهرش در شهرستان برایش باقی گذاشته است تأمین می‌کند و روزبه‌روز، هم از جنبه‌های شخصی و هم از لحاظ تیپ اجتماعی به سوی نابودی می‌رود. او برای ایفای نقش در اقتصاد شهری، می‌خواهد بهرهٔ بیشتری از زمین به‌دست آورد. به این ترتیب انگیزهٔ عمدهٔ حرکت آدم‌های داستان،

به‌اختیار در آوردن زمین و مسلط شدن بر منابع اقتصادی زندگانی است. بر مبنای چنین انگیزه‌ای آدم‌های رمان با یکدیگر درگیر می‌شوند و غلام، صالح را می‌کشد. باباسبحان که تلاش‌هایش برای رفع درگیری به جایی نرسیده است با نعش صالح و جسم نیمه‌جان پسر دیگرش «مسیب» به ده بازمی‌گردد. پیشامدها به مرور از یادها می‌رود و در این میان تنها عدله سود می‌برد که سهم زمین صالح را نیز از چنگ او درآورده و باباسبحان مانده و خانمانی که بریاد رفته است.

### ۲-۳-۴- کلیدر

**خلاصه داستان:** اولین جلد رمان کلیدر در سال ۱۳۵۷ به‌چاپ رسید و نگارش و چاپ این رمان ده‌جلدی تا ۱۳۶۳ ادامه یافت. ساخت این رمان دارای دو حلقه در هم تنیده عشق و جنگ است. ساخت جنگی رمان مربوط به جنگ و درگیری‌های «گل محمد» و یاران او با ارباب‌ها و نیروهای دولتی در خلال ماجراهای عاشقانه رمان است. بزها و گوسفندهای ایل کلمیشی دچار بیماری می‌شوند. گل محمد، قهرمان محوری عشیره کلمیشی، به نزد مقامات اداری و دولتی در شهر می‌رود ولی از یاری آنان ناامید بازمی‌گردد. دام‌ها از بین می‌روند و افراد ایل با ازدست‌دادن ابزار کار ابتدایی، به دنبال کارهای دیگر می‌روند؛ از جمله گل محمد که به هیزم‌فروشی مشغول می‌شود. آغاز درگیری‌های سیاسی از آنجاست که دو امنیت<sup>۴۷</sup> به قصد وصول مالیات از راه می‌رسند و به دست گل محمد و با همکاری زنان ایل کشته می‌شوند. یکی از افراد ایل، گل محمد را لو می‌دهد و او دستگیر و زندانی می‌شود؛ اما با کمک یکی از دوستانش از زندان می‌گریزد و پس از آن با همکاری چند نفر از اعضای ایل به غارت اموال اربابان مشغول می‌شود. اربابان و زمین‌داران بعد از درگیری‌های ناکام می‌کوشند تا گل محمد را بدنام کنند و دزدی‌هایی را تدارک ببینند که به نام او تمام شود، ولی گل محمد این توطئه را خنثی می‌کند. ارباب‌ها از دولت کمک می‌گیرند و گل محمد بنا بر محبوبیت مردمی خود بر تفنگچی‌هایش می‌افزاید.

کار گل محمد تا کنون ناخواسته بوده است و شاید بنا بر جبرهای اجتماعی و اضطراب است که می‌جنگد. فقر و روابط تولید کمک می‌کنند که از گل محمد، یاغی و گردنکش ساخته شود. او دوست ندارد برای این مردم بی‌حال قدمی بردارد ولی مجبور است. از نظر او دوره شبانی و دهقانی گذشته است و او و یارانش باید کار را بر ارباب‌ها تنگ کنند. در پایان، گل محمد شکست را پیش‌بینی می‌کند و گاهی وسوسه می‌شود که جنگ را رها کند و به زندگی برگردد؛

۴۷. مأموران وصول مالیات.

اما می‌خواهد همچنان قهرمان باقی بماند. به هر حال لحظه‌ای فرا می‌رسد که او عرصه را بر خود تنگ می‌بیند و با همه وداع می‌کند و جز چند تن از اطرافیان نزدیکش، همه تفنگچی‌ها را مرخص می‌کند. اطرافیان کشته می‌شوند و گل محمد نیمه‌جان اسیر می‌شود. یکی از مخالفانش تیر خلاص به او می‌زند و در حالی که زنان بر فراز جنازه گل محمد اشک می‌ریزند، اربابان آسوده‌خاطر می‌شوند.

### ۲-۳-۵- جای خالی سلوچ

خلاصه داستان: در رمان *جای خالی سلوچ*، اوضاع و احوال روستایی واقع در حاشیه کویر توصیف می‌شود که در آن شکل و زمینه زندگی اقتصادی و اجتماعی به تدریج در هم می‌ریزد. «سلوچ» که در دهی دورافتاده به نام «زمینج» مقنی و کارگر روزمزد است بر اثر ماه‌ها بی‌کاری و بدهکاری در یک صبح سرد زمستان، بی‌خبر از ده بیرون می‌رود. همسرش همراه با دو پسر شانزده و پانزده‌ساله و دختر دوازده‌ساله‌اش به ناچار به زندگی فقیرانه خود ادامه می‌دهند. در آن روزهای سخت و سرد زمستان، تنها راه گذران زندگی آنها بیرون کشیدن گیاه پنبه‌چوب از زمین‌های یخ‌زده اطراف و فروختن آن به نانواي ده است. «میرزا حسن» خرده‌مالک متنفذ ده تصمیم می‌گیرد تا با چند خرده‌مالک دیگر شریک شود و سرمایه‌ای فراهم آورد تا چاهی عمیق بزند و با وامی که از اداره کشاورزی می‌گیرند بخشی از زمین‌های ده را پسته‌کاری کنند. وی برای این کار قصد دارد زمین‌های بایر ده را که مردم فقیر در جای جای آن سیفی کاری می‌کنند به نام خود ثبت کند. آنها شروع به خریدن زمین‌های بایر از روستاییان می‌کنند؛ بعضی با رغبت و بعضی از سر ناچاری پولی اندک می‌گیرند و زمین‌های خود را واگذار می‌کنند. همسر سلوچ به این کار رضایت نمی‌دهد اما پسران او پنهان از مادر سهم خود را واگذار می‌کنند و پول مختصری به‌دست می‌آورند. یکی از پسرها پول را در قمار می‌بازد و دیگری را میرزا حسن برای کار با تراکتور که به‌زودی وارد ده می‌شود، استخدام می‌کند. با رسیدن تراکتور به ده، پسر سلوچ شروع به شخم‌زدن زمین‌ها می‌کند. از حفر چاه عمیق و نصب تلمبه چندان آبی به‌دست نمی‌آید و این کار باعث کم‌آبی قنات ده نیز می‌شود. تراکتور کهنه هم به‌زودی از کار می‌افتد و میرزا حسن با پولی که از اداره کشاورزی گرفته است به شهر فرار می‌کند تا به کارهای ساختمانی بپردازد. شرکایش هم شتری را در مادرچاه کاریز می‌اندازند و آب کاریز به کلی قطع می‌شود و ده یکسره بدون آب می‌ماند. همسر و پسر سلوچ تصمیم می‌گیرند تا به شهر بروند و میرزا حسن را که شنیده‌اند در معدنی کار می‌کند، پیدا کنند.

سحرگاه روزی که عازم شهر هستند سلوچ را می‌بینند که از دهانه کاریز بیرون می‌آید در حالی که راه کاریز را گشوده است.

## ۲-۳-۶- جمع‌بندی

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت دوره ده‌ساله ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ شمسی یکی از پربارترین دهه‌های داستان‌نویسی ایران بوده است. در داستان‌های انتخاب‌شده، مخالفت با اصلاحات ارضی به منزله شیوه‌ای که حکومت برای مدرن کردن مناسبات اقتصادی و اجتماعی ایران در پیش گرفته بود، به چشم می‌خورد. پیامد تغییرات اقتصادی از منظر دامن‌زدن به فقر و بی‌عدالتی نیز در این داستان‌ها به‌وضوح دیده می‌شود. مخالفت با صنعتی‌شدن و شهرنشینی نیز به منزله گونه‌ای از مقاومت در برابر گفتمان رسمی، در ادبیات داستانی این دوره نمود دارد. نویسندگان زیادی به مخالفت با ماشینیسیم<sup>۴۸</sup> می‌پردازند و به پیامدهای ناگوار آن برای روستاییان و بی‌کارشدن آنها و مهاجرت بی‌رویه آنها به شهرها اشاره می‌کنند. تقی مدرس، جلال آل احمد، منصور یاقوتی، احمد محمود، ابراهیم گلستان، محمود دولت‌آبادی و غیره به‌عنوان نویسندگان شاخص، مهم‌ترین آثار ادبیات داستانی فارسی را به رشته تحریر درآورده‌اند.

تقی مدرس (۱۳۱۱-۱۳۷۵ش) تحصیلات خود را در تهران گذراند و پس از به‌پایان‌رساندن دوره پزشکی دانشگاه تهران، به آمریکا رفت؛ نخستین رمانش را به نام *یکلیا و تنهایی او*، در دوره دانشجویی در سال ۱۳۳۴ شمسی نوشت که داوران مجله سخن آن را به‌عنوان بهترین رمان ایرانی سال برگزیدند. این انتخاب، مدرس را در جمع نویسندگان مشهور قرار داد. مدرس در رمان *شریف‌جان شریف‌جان*، از نگاه یک کودک به مسئله تقسیم زمین‌های کشاورزی و بافت و ساختار روستا پرداخته است. او در رمان *آدم‌های غایب* (۱۳۶۸) به بیان داستان با مرور عکس‌های بازمانده یک خانواده سنتی دست زده است. *آداب زیارت* (۱۳۶۸) هم چگونگی بروز بحران و جابجایی پایگاه‌های اجتماعی در سال‌های انقلاب و جنگ را نشان می‌دهد. او از نویسندگان تأثیرگذار دهه سی و چهل شمسی است.<sup>۴۹</sup> رمان *شریف‌جان شریف‌جان* از نخستین رمان‌هایی است که بلافاصله پس از اصلاحات ارضی منتشر شد و آثار اجتماعی آن را بررسی کرد. ستیزه‌خاندانی اشرافی و رو به زوال با قدرت مرکزی — که در صدد محدودکردن قدرت خاندان برآمده — مضمون بنیانی کتاب

را تشکیل می‌دهد. طرح کلی داستان بر مبنای اختلاف آقای اصلانی (مالک) با سرهنگ جهان‌سوز (بورژوا<sup>۵۰</sup> - بوروکرات<sup>۵۱</sup> و مظهر ظلم حکومت) شکل می‌گیرد.

نوع ادبی نفرین زمین، بی‌شک رمان است و شاید تنها رمان جلال آل احمد نیز باشد. این رمان، مقطعی از تاریخ را روایت می‌کند. آنچه جلال در این کتاب از زندگی مردم روستا به تصویر کشیده همه فقر و بدبختی است و دردها و رنج‌های آنها. نفرین زمین مدام خواننده را با مصائب و مشکلات روستا در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ شمسی روبه‌رو می‌کند:

و همین روزها از چاپ نفرین زمین فارغ شده‌ام که سرگذشت معلم دهی است در طول نه ماه از یک سال و آنچه بر او و اهل ده می‌گذرد. به قصد گفتن آخرین حرف‌ها در مورد آب و کشت و زمین و لمسی که وابستگی اقتصادی به کمپانی از آنها کرده و اغتشاشی که ناچار رخ داده و نیز به قصد ارزیابی دیگری خلاف اعتقاد عوام سیاستمداران و حکومت از قضیه فروش املاک که به اسم اصلاحات ارضی جایش زده‌اند...<sup>۵۲</sup>

معلم این رمان مانند معلم رمان مدیر مدرسه از فقر و ناداری معلم شده است و بی‌هیچ تأثیری در سیر وقایع، ده را ترک می‌کند و مانند قهرمان مدیر مدرسه شکست می‌خورد. شکست او با شکست شیوه کهن تولید منطبق شده است.

این اثر نخستین ارزشیابی یک هنرمند از برنامه اصلاحات ارضی و تأثیر آن بر جامعه روستایی ایران است. آل احمد در این رمان ورود ماشین (تراکتور) به روستا را باعث منسوخ شدن شیوه‌های قدیمی تولید می‌داند. همچنین ماشین همراه با خود فرهنگ ماشینی را نیز به روستا وارد می‌کند و این به معنای از بین رفتن ارزش‌های بومی و سنت‌های ریشه‌دار در جامعه روستایی و پیشامدرن است. این مدرنیزاسیون<sup>۵۳</sup> ناتمام که سعی در پشت سر گذاشتن دوره زندگی روستایی دارد، خود نیز نمی‌تواند جایگاه واقعی و مطلوبش را به دست آورد. این اثر آل احمد بیش از آنکه رمانی با همه پیچیدگی‌هایش در شخصیت‌پردازی و سایر عناصر داستانی باشد، به یادداشت‌های روزانه یا گزارش مستند یک سفر تشابه دارد.

محمود دولت‌آبادی در سال ۱۳۱۹ شمسی در دولت‌آباد بی‌هق متولد شد. کودکی را در روستا گذراند و کارهای گوناگونی را از کفاشی و سلمانی گرفته تا کارگری کارخانه پیشه کرده است. وی

50. Bourgeois

51. Bureaucrat

۵۲. جلال آل احمد، یک چاه و دوچاله و مثلاً شرح احوالات، زیر نظر مصطفی زمانی‌نیا، (تهران: فردوس، ۱۳۷۶)، ص ۷۹ - ۸۰

53. Modernization

تحصیلات منظمی نداشته است. در تهران به کار در چاپخانه و تئاتر پرداخت. در اسفند ۱۳۵۳ شمسی روی صحنه تئاتر بازداشت شد و تا اسفند ۱۳۵۵ شمسی را در زندان گذراند. از سال ۱۳۳۷ شمسی شروع به نوشتن داستان‌هایی درباره روستاییان شمال شرق ایران کرد. محمود دولت‌آبادی با تأثیرپذیری از قلمروی روستا به داستان‌نویسی پرداخت. نخستین داستان او مرد بود که در آن مردی روستایی را در چنبر مشکلات شهر نشان داد و بعد لایه‌های بیابانی (۱۳۴۷) را منتشر کرد. او با رمان *اوسنه باباسبحان* مطرح شد. مخصوصاً وقتی که مسعود کیمیایی فیلم *خاک* را با گوشه چشمی به این داستان ساخت، این داستان و دولت‌آبادی بیشتر مطرح گشتند. *گواره بان* (۱۳۵۰)، *سفر* (۱۳۵۱)، *باشیرو* (۱۳۵۲)، *عقیل، عقیل* (۱۳۵۳)، و *از خم چنبر* (۱۳۵۶) از دیگر آثار دولت‌آبادی است که در اکثر آنها روستا و مناسبات و مشکلات و مسائل موجود در آن موضوع اصلی داستان است.

دولت‌آبادی دلبسته رئالیسم اجتماعی<sup>۵۴</sup> است و با نثری منسجم و متین که نشان از سبک خراسانی دارد این رئالیسم را به صحنه می‌گذارد. رئالیسم اجتماعی او در رمان *جای خالی سلوچ* به اوج خود رسید و در رمان ده جلدی *کلیدر* همراه با صحنه‌های شاعرانه و رمانتیک<sup>۵۵</sup> اجتماعی ابعاد تازه‌ای یافت. این اثر در ابتدا در *کارنامه سپنج* که مجموعه‌ای از داستان‌های دولت‌آبادی در دوره ۱۵ ساله دهه ۱۳۴۰ تا نیمه اول دهه ۱۳۵۰ بود، به چاپ رسید و در سال‌های بعد به‌عنوان کتابی مستقل مورد توجه و چاپ و انتشار قرار گرفت.

فقر، مضمون مشترک تمام داستان‌های دولت‌آبادی است. گریز شخصیت‌ها از زیر بار مشکلات و فقر حاکم بر زندگی آنها، دیگر مضمون اصلی داستان‌های اوست. در *اوسنه باباسبحان*، روابط جامعه فئودالی با مضمون فقر درمی‌آمیزد. شخصیت‌های داستان او مانند شخصیت‌های چوبک، غرق در چرک و کثافت نیستند و در اوج فقر از نکبت و پستی به دورند. دولت‌آبادی همواره زمین را به خاطر روزی‌دهندگیاش ستایش می‌کند و در بیشتر داستان‌هایش به این مسئله تأکید دارد. او با رویکردی تازه به مسائل روستایی، تصویری هنرمندانه از روستانشینان ایرانی در یک مرحله گذار پدید می‌آورد. ارزش‌های ادبی و اجتماعی آثار دولت‌آبادی سهم چشمگیری در تکامل رمان ایرانی برای او تعیین می‌کند. یکی از ویژگی‌های آثار دولت‌آبادی طرح تضاد طبقاتی، به‌ویژه تضاد میان شهر و روستا و یا به بیان دیگر تفاوت و شکاف طبقاتی شهر و ده است که خود روی دیگر تضاد میان دارا و ندار و ارباب و رعیت است. حوزه کاری محمود دولت‌آبادی اغلب زادگاه او، خراسان و

54. Social Realism

55. Romantique

به‌طور دقیق‌تر روستاهای نیشابور و سبزوار است؛ به همین دلیل به مسائل روستا و زبان خاص آن و به لهجه‌های بومی و گفتمان آن به‌خوبی آشناست. مهاجرت روستایی به شهر و اختلاف طبقاتی در شهر و روستا و تنازع آدمیان در جامعهٔ پرتضاد جدید، در دههٔ چهل شمسی و از زاویه‌ای دیگر توسط دولت‌آبادی جامعهٔ داستانی بر تن می‌کند.

رویدادهای کلیدر، در خراسان در منطقه‌ای بین سبزوار و نیشابور و در محیط عشایری و روستایی این منطقه شکل می‌گیرند. کلیدر رمانی است اجتماعی - حماسی و اشخاص آن از دل موقعیت بومی برمی‌آیند و بر آن اثر می‌گذارند. طرح کلی رمان، تصویر شکل‌گیری مبارزه‌های دهقانی - عشیره‌ای است بر ضد مالکان ده و حاکمیت آن روز که نمایندهٔ فئودال‌ها و ثروتمندان شهری و روستایی است. کلیدر همچون دایره‌المعارفی است انباشته از اطلاعاتی دربارهٔ خصوصیات روحی و اجتماعی و کیفیت زندگی مردم دهات و شهرستان‌های کوچک؛ شامل بازسازی نحوهٔ زیستن در صحرا و سیاه‌چادرها، روند زندگی روستایی، دام و چرا و خرمن و درو، شکل پوشاک و نوع خوردوخوراک، مهمانی‌های اربابی، پخت‌وپزها، قربانی کردن‌ها، موسیقی محلی و بسیاری صحنه‌های جزئی دیگر. این رمان به‌صورت مجموعه‌ای از اطلاعات جامعه‌شناسانه دربارهٔ کردهای ساکن شمال شرق ایران درآمده است و نمایش مستندی است از سیمای اقتصادی، انسانی، فرهنگی و خلقیات بخشی از مردم این سرزمین. در این رمان، هم زندگی پرانده روستاییان و فقر و آزار آنها نشان داده شده است و هم تمول و ظلم طبقهٔ حاکم و ارباب‌ها. در هر دو رمان، کامران‌ها محدودند و بیشتر مردم ناکام و رنج‌دیده‌اند. قهرمان رمان شخصی غیرعادی و عجیب نیست؛ بلکه از میان مردم برگزیده شده و نمایندهٔ هم‌نوعان خود است.

دولت‌آبادی در آثار دههٔ سی و چهل خود مسائلی را به داستان نوشته که کانون خانواده‌های روستایی را تهدید می‌کرده است. بیشتر شخصیت‌های داستان‌های دولت‌آبادی در آن دو دهه، به سبب ادباری که گریبان‌گیرشان شده بود فرار یا مهاجرت را بر تحمل وضع موجود ترجیح دادند و تنها تنی چند از آنها ایستادگی کردند و با اوضاع ناپه‌نچار موجود مبارزه کردند. داستان‌های وی در مقطع گذر از رخوت روستایی دههٔ ۱۳۴۰ به تحرک بورژوازی دههٔ ۱۳۵۰، به شیوهٔ رئالیست‌های سدهٔ نوزدهم، سرگذشت انسان‌های بحران‌زده‌ای را که امنیت روحی و اجتماعی خود را از دست داده‌اند، به‌نمایش گذاشته است. اوج کار محمود دولت‌آبادی در رئالیسم انتقادی،<sup>۵۶</sup> رمان‌های جای

خالی سلوچ و کلیدر هستند.<sup>۵۷</sup>

«زمینج»، روستایی که تمام حوادث جای خالی سلوچ در آن روی می‌دهد از «زمین» گرفته شده است. در جای خالی سلوچ، اعتراض نویسنده رنگی سیاسی می‌گیرد. او به شیوه زندگی و به ستمی که بر مرگان و امثال او روا داشته می‌شود، به تقسیم عقیم اراضی و طرح ناکام اصلاحات ارضی، به ورود تراکتور بدون فراهم شدن زمینه‌های آن و نیز به ورود موتور آب بدون آنکه محاسبات ذخیره آب در محل انجام گرفته باشد، اعتراض دارد. روستاییان مثل سلوچ ناچار به مهاجرت می‌شوند و خانواده روستا که سنبلیله<sup>۵۸</sup> خانواده سلوچ است از هم پاشیده می‌شود.

هر یک از شخصیت‌های رمان نشانگر شماری از افراد جامعه روستایی تصویر شده در رمان‌اند. ضمن اینکه این افراد ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری مردمان روستایی ایران را نیز نشان می‌دهند. سلوچ علی‌رغم اینکه در رمان حضور ندارد اما به هر حال از شخصیت‌های اصلی رمان است. او در آغاز رمان، از فشار فقر و تنگدستی، خانواده‌اش را رها می‌کند و در جست‌وجوی کار به مکانی نامعلوم می‌رود. او آدم همه‌فن‌حریفی بوده است ولی اکنون دیگر کسی به او نیاز ندارد. برای ابرو، رفتن پدر سخت است اما برای عباس، برادر بزرگترش، بود و نبود سلوچ فرقی ندارد. در نبود پدر، او خود را نان‌آور خانواده می‌داند و به برادر و خواهرش زور می‌گوید. او حتی بر مادرش هم سروری می‌کند. تن به کار پدر نمی‌دهد و با فروش سهم زمین خود، به شترچرانی رو می‌آورد. همه مسئولیت‌های خانه بر دوش مرگان افتاده است. او یک‌تنه در برابر همه زورگویی‌ها ایستاده است. اما برای کم‌شدن یک نان‌خور، با ازدواج دختر نوجوانش با یک مرد میانسال موافقت می‌کند. ابرو نمونه یک روستایی حیرت‌زده در مقابل ماشین و مدرنیسم<sup>۵۹</sup> است. او با واگذاری سهمش از زمین، تراکتور اجاره می‌کند و به شخم‌زدن زمین‌ها می‌پردازد. جای خالی سلوچ را می‌توان توصیف‌کننده زوال زندگی دهقانی در منطقه خراسان دانست.

در جمع‌بندی پایانی باید گفت؛ سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۰ شمسی، سال‌های شکوفایی ادبیات اقلیمی است. در این دوره جمعی از نویسندگان که دریافته‌اند زندگی طبقه متوسط نمی‌تواند معرف زندگی تمامی مردم ایران باشد، توجه خود را به وجوه مشخص عقب‌ماندگی در نقاط گوناگون کشور معطوف می‌کنند. ادبیات اقلیمی یا ادبیات روستایی، اصطلاحاً به داستان‌هایی گفته می‌شود که در فضایی غیر از فضای جامعه شهری نوشته شده‌اند. محور اصلی در این نوع داستان‌ها، جامعه روستا و



روابط مردم روستایی، مشاغل روستایی و آرزوهای مردم روستاست. علل توجه بعضی از نویسندگان به ادبیات اقلیمی و روستایی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- نداشتن شناخت کافی از جامعه روستایی؛

۲- احساس صداقت و صمیمیت در جامعه روستایی؛

۳- دستیابی به موضوعات جدید برای آفرینش داستان؛

۴- تأثیرگذاری روستا در زندگی شهری به لحاظ تأمین آرامش و سلامت روحی؛

۵- نگاه به روستا به‌عنوان سرچشمه زندگی؛

۶- فرار از ماجراهای شهری که برای نویسندگان رنج‌آور، تکراری و غیراخلاقی به حساب می‌آمد؛

۷- تأثیرپذیری از اندیشه‌های کمونیستی<sup>۶۰</sup> که بیشتر از طریق حزب توده به روشنفکران منتقل می‌شد و در آنها، مقابله با نظام خان‌سالاری و طرفداری از مردم محروم که غالباً کشاورزان و

کارگران و عمدتاً مردم دوست بودند به‌عنوان محور فعالیت‌های سیاسی مطرح بود.

به‌طور کلی ادبیات معاصر ایران از لحاظ روشی که در پرداخت ادبی واقعیت‌ها به کار می‌گیرد

رنالیستی است. این امر به‌ویژه در ادبیات داستانی معاصر صادق است. چه، نثر داستانی ایران از

همان اول پیدایی خود در خدمت توصیف واقعیت‌ها و افشای ناروایی‌ها و ناهنجاری‌های زندگی

اجتماعی و فردی بوده است. در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ بار دیگر زمینه برای پیدایی رمان فراهم آمد.

تجربه نشان داده است که شکل‌های مفصل و پیچیده ژانر<sup>۶۱</sup> داستانی در دوره‌های اختناق، رشد و

رونق بیشتری می‌یابند و این طبیعی است؛ از آنجایی که وقتی امکان صریح‌نویسی و انتقاد از نقض

حقوق مردم و سرکوب اجتماعی وجود نداشته باشد، می‌توان مطلب را در بستر و درازنای رمان

توصیف کرد، زیرا در این نوع ادبی فرصت وجود دارد که بتوان به طرح تأویلی مسائل، ضمن گفتار

و رفتار اشخاص داستان پرداخت.<sup>۶۲</sup>

از اواخر دهه ۱۳۳۰ شمسی، با کم‌شدن تدریجی فضای خفقان و یأس و تخفیف بحران اجتماعی

سال‌های پس از کودتا،<sup>۶۳</sup> نویسندگان کم‌کم خود را بازمی‌یابند و در شرایط اجتماعی تازه، نشانه‌هایی

از حرکت به سمت شکوفایی به‌چشم می‌خورد. اصلاحات ارضی در این دوره بحث زمین مالکان و

اربابان را مطرح می‌کند. انتقاد به این موضوع در ادبیات این دوره به شکل توجه به ادبیات اقلیمی

60. Communistic

61. Genre

۶۲ محمود عبادیان، درآمدی بر ادبیات معاصر ایران، (تهران: گهر نشر، ۱۳۷۱)، ص ۹۰ - ۹۱.

63. Coup d'etat

و روستایی و توجه به مسائل فرهنگی خاص شهری یا روستایی و منطقه‌ای بازتاب می‌یابد. در دهه ۱۳۵۰ شمسی با گسترش سانسور<sup>۶۴</sup> و اختناق حکومت، آثار ادبی به سمت رمزگرایی سیاسی سوق می‌یابند. آثار این دوره نوعی روحیه مبارزه‌جویی و احساس تعهد در برابر اجتماع را بازآفرینی می‌کنند که این امر بیش از آنکه ارزش ادبی داشته باشد، ارزش اجتماعی دارد. این آثار سند مهمی از زندگی مردم و جامعه در این دهه محسوب می‌شوند.<sup>۶۵</sup>

دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ شمسی از نظر کمیّت، تعدّد و تنوع یکی از درخشان‌ترین دوران‌های نثرنویسی و به‌طور کلی ادبی و هنری ایران است. یکی از مواردی که در خلق آثار هنری یک ضرورت محسوب می‌شود نوعی جاافتادگی حرفه‌ای است که معمولاً در دوران بحران میسر نیست. اوضاع اجتماعی این دهه برای نخستین بار — از آغاز مشروطیت به بعد — امکان مناسبی برای اهل قلم فراهم آورد. دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ شمسی از بسیاری از دیدگاه‌ها، از اعصار پر بار ادبیات و هنر ایران است. داستان‌نویسی، شعر، نمایش‌نامه‌نویسی، نقد ادبی و تحقیقات تاریخی و اجتماعی، بهترین دستاوردهای خود را در این عصر یافتند. از داستان‌نویسان می‌توان سیمین دانشور، غلامحسین ساعدی، ابراهیم گلستان، جمال میرصادقی، بهرام صادقی، جلال آل احمد، احمد محمود، محمود دولت‌آبادی، نادر ابراهیمی و هوشنگ گلشیری را نام برد. از نمایش‌نامه‌نویسان می‌توان به علی نصیریان، بهرام بیضایی، گوهر مراد، اکبر رادی و اسماعیل خلیج اشاره کرد. به علاوه این دوره، پررونق‌ترین دورای بود که طی آن شمار بسیاری از مجلات، فصلنامه‌ها و جُنگ‌های ادبی و هنری در سراسر ایران به‌خصوص در دانشگاه‌ها به‌چاپ رسیدند؛ در نتیجه پژوهش‌های جامعه‌شناسی رونق گرفت و کوشش‌های بسیاری در این زمینه انجام شد. مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی یک سلسله مطالعه، تک‌نگاری و گزارش درباره سراسر ایران تهیه و چاپ کرد. گزارش‌ها و خاطرات معلمان، مسافران و سپاهیان دانش از روستاهای کشور که در مطبوعات یا کتب منتشر شد، اسناد موثقی برای مطالعه فراهم آورد. کتدوکاوها و تحقیقات تاریخی و اجتماعی و سیاسی بیش از هر وقت دیگر، در این دهه به‌صورت امری پیوسته متناسب و مرتبط با تکامل اجتماعی شکل گرفتند.

### ۳- نتیجه‌گیری

مهم‌ترین اهداف شاه در حوزه اقتصادی انقلاب سفید عبارت بودند از: تغییر الگوی کلان اقتصادی

64. Censure

۶۵. مریم عاملی رضایی، «الگوی پیشنهادی برای تطبیق نظریه جامعه‌شناسی با ساختار ادبی - اجتماعی رمان فارسی»، *ادبیات پاریسی معاصر*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره اول، (بهار ۱۳۹۴)، ص ۷۴ - ۷۵.

کشور از کشاورزی و تولید دستی به صنعتی، فراهم آوردن زمینه‌های انباشت سرمایه و شکل‌گیری قانون‌های سرمایه‌داری و پیوستن به نظام جهانی سرمایه‌داری و بالاخره تحقق فرایند نوسازی و مدرنیسم برای دگرگون‌ساختن سیمای ایران به‌عنوان یک کشور عقب‌مانده و جهان‌سومی به کشوری قدرتمند، پیشرو و صنعتی بر مبنای الگو و برنامه منسجم توسعه و تقویت دولت به‌عنوان مرکز بی‌رقیب انباشت سرمایه. اصلاحات ارضی نتایج مختلفی بر جای گذاشت که از مهم‌ترین پیامدهای اقتصادی آن می‌توان به تقسیم اراضی و قطعه‌قطعه‌شدن زمین‌های کشاورزی، کاهش تولیدات کشاورزی به علت حذف نظام ارباب - رعیتی و در سطح بالاتر کاهش نقش کشاورزی در اقتصاد ملی اشاره کرد. همچنین بلافاصله پس از اجرای اصلاحات ارضی بود که روستاییان، ده و زمین و زراعت خود را رها کردند و به سوی شهرها هجوم آوردند و به دلالتی زمین‌های شهری و کارهای کاذب غیرتولیدی مشغول شدند و در گروه مصرف‌کنندگان کالاهای وارداتی درآمدند.

انقلاب سفید و به‌طور خاص اصلاحات ارضی، پیش و بیش از آنکه حرکتی اقتصادی باشد، حرکتی سیاسی بود. هدف این حرکت عبارت بود از: کنار نهادن طبقه زمین‌داران بزرگ که خطری پنهان در مقابل اقتدار شاه بود و نیز ایجاد لایه‌های اجتماعی جدیدتری که موافق حکومت بودند. دولت در تلاش بود تا قدرت سیاسی خود را جایگزین قدرت زمین‌داران در روستاها بکند؛ در این بین سپاه بهداشت و سپاه دانش و غیره هر یک به نوعی پایه‌های قدرت دولت مرکزی را در روستاها تحکیم کردند. اما پیامدهای منفی اجرای اصول انقلاب سفید به شدیدترین صورت ممکن در جریان انقلاب اسلامی ایران و براندازی سلطنت پهلوی نمایان شدند.

بررسی آمار موجود نیز نشان می‌دهد این اقدامات اصلاحی به‌طور خاص درباره اصلاحات ارضی، به نتایج پیش‌بینی‌شده و مطلوب مورد نظر طراحان انقلاب سفید منتج نشدند. نتیجه بررسی پنج رمان شاخص نیز نشان داد که مسئله اصلاحات ارضی و پیامدهای آن برای کشاورزی و کشاورزان، مورد توجه نویسندگان مطرح این دو دهه بوده است و بسیاری از رمان‌هایی که با مضمون مذکور به نگارش درآمده و به چاپ رسیده‌اند در زمان خود و تا به امروز جزء بهترین آثار نویسندگان خود، و مورد توجه محافل ادبی و جامعه‌شناسی بوده‌اند. در این رمان‌ها به اصلاحات ارضی و تقسیم اراضی به‌عنوان عاملی منفی و مخرب - که روابط سنتی ارباب - رعیتی را به هم می‌زند و در به‌وجود آوردن نظم جدید نیز ناتوان است - نگریسته می‌شود. در این رمان‌ها، قدرت و کیفیت زندگی رعیت و کشاورزان نسبت به قبل از وضع و اجرای قوانین جدید به‌طور قابل توجهی کاهش می‌یابد و همان‌طور که در پیامدهای اجتماعی و اقتصادی اصلاحات ارضی ذکر شد بسیاری

از این افراد در جست‌وجوی زندگی حداقلی و درآمد به شهرهای اطراف روستای محل زندگی خود روانه می‌شوند. مالکان و خرده‌مالکان هم با سوء استفاده از قوانین و منابع مالی پیش‌بینی‌شده برای اصلاحات، بر ثروت و قدرت خود می‌افزایند و حتی به سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی در خارج از روستاها اقدام می‌کنند.

## کتابنامه

### ۱- منابع فارسی

#### الف) کتاب و مقاله

- آل احمد، جلال. یک چاه و دوچاله و مثلاً شرح احوالات. زیر نظر مصطفی زمانی‌نیا. تهران: فردوس، ۱۳۷۶.
- امینی، علی اکبر. *گفتمان ادبیات سیاسی ایران در آستانه دو انقلاب*. چ دوم. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۰.
- بیل، جیمز آ. شیر و عقاب (روابط بدفرجام ایران و آمریکا). ترجمه فروزنده برلیان. تهران: نشر فاخته، ۱۳۷۱.
- پهلوی، محمدرضا. *انقلاب سفید*. تهران: کتابخانه سلطنتی پهلوی، ۱۳۴۵.
- پورافضل، حسن و بهاء‌الدین نجفی. *اصلاحات ارضی و واحدهای دسته جمعی تولید کشاورزی*. بی‌جا: انتشارات دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۱.
- تجدد، حسین. «پیامدهای مثبت و منفی اجرای قانون اصلاحات ارضی در ایران». *ماهنامه حافظ*. شماره ۵۴. شهریور، ۱۳۸۷.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد. *اصلاحات ارضی در ایران: زمینه‌ها، سیاست‌ها و پیامدها در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۲۰ - ۱۳۵۷)*. به اهتمام مجتبی مقصودی. تهران: روزنه، ۱۳۸۰.
- خاتمی، احمد. *نگاهی به ادبیات معاصر ایران*. تهران: نشر علم، ۱۳۹۶.
- راودراد، اعظم. *نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*. چ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
- رحمانی، اختر. *مالکیت و بهره‌برداری از زمین در ایران*. بی‌جا: شرکت سهامی چاپ و انتشار کتب ایران، ۱۳۴۸.
- زیما، پیر. و. *جامعه‌شناسی رمان از دیدگاه یان وات، لوکاج، ماشری، گلدمن و باختین، درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات*. ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: نقش جهان، ۱۳۷۷.
- عاملی رضایی، مریم. «الگوی پیشنهادی برای تطبیق نظریه جامعه‌شناسی با ساختار ادبی - اجتماعی رمان فارسی». *ادبیات پارسی معاصر*. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال پنجم. شماره اول. بهار ۱۳۹۴. ص ۶۳ - ۸۴.
- عبادیان، محمود. *درآمدی بر ادبیات معاصر ایران*. تهران: گهر نشر، ۱۳۷۱.
- غفاری، غلامرضا. «ساختار اجتماعی جامعه روستایی ایران». *نامه پژوهش فرهنگی*. شماره ۹. بهار ۱۳۸۳.
- فرهنگ، ارشاد. *کندوکاوی در جامعه‌شناسی ادبیات*. تهران: نشر آگه، ۱۳۹۱.
- گازیوروسکی، مارک ج. *سیاست خارجی آمریکا و شاه (بنای دولتی دست‌نشانده در ایران)*. ترجمه فریدون فاطمی. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۱.

- گرچی، مصطفی. بررسی و تحلیل ادبیات داستانی سیاسی معاصر (۱۳۵۷ - ۱۳۸۵). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۰.
- گلدمن، لوسین. جامعه، فرهنگ، ادبیات. ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۰.
- گلدمن، لوسین. جامعه‌شناسی ادبیات: دفاع از جامعه‌شناسی رمان. ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: هوش و ابتکار، ۱۳۷۱.
- لیلاز، سعید. موج دوم تجدد آمرانه در ایران (تاریخ برنامه‌های عمرانی سوم تا پنجم). تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۹۲.
- مرادپور آرانی، مهدیه. بازتابی ناراضی‌تبی سیاسی و اجتماعی در ادبیات داستانی پیش از انقلاب (سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰.
- مستوفی‌الممالک، رضا. جغرافیای روستایی (مبانی و ایران، با تأکید به اصلاحات ارضی و دگرگونی ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی روستاهای ایران). یزد: انتشارات وصال، ۱۳۸۵.
- مسعودنیا، حسین. «تاریخ به مثابه گفتمان؛ بازکاوی رابطه گفتمان تاریخی و سیاسی در ایران معاصر». رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی. شماره ۱۳. بهار ۱۳۸۷. ص ۱۲۱-۱۴۳.
- مهدوی، مسعود. مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران. ج اول. تهران: سمت، ۱۳۷۷.
- میرصادقی، جمال و میمنت میرصادقی. واژه‌نامه هنر داستان نویسی (فرهنگ تفصیلی اصطلاحات ادبیات داستانی). تهران: مهناز، ۱۳۷۷.
- میرعابدینی، حسن. تاریخ ادبیات داستانی ایران. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۲.
- میرعابدینی، حسن. صد سال داستان‌نویسی ایران. جلد اول تا سوم. ویراست دوم. تهران: چشمه، ۱۳۷۷.
- نصیرخانی، پرویز. «بررسی تأثیر عامل دفع‌کننده روستایی (اصلاحات ارضی) و جذب‌کننده شهری در مهاجرت ایران». مدرس علوم انسانی (پژوهش‌های مدیریت در ایران). شماره ۱. زمستان ۱۳۷۵. ص ۱۰۴-۱۱۸.
- نعیر، سامی. صورت و فاعل در آفرینش فرهنگی در جامعه، فرهنگ، ادبیات. ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: چشمه، ۱۳۸۰.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی